مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران یا دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان گزینش شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبان است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در بسیاری از موارد «وطن امروز» دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد.

همچنین بدیهی است در برخی از این مقالات رسانه برای رسیدن به نتایج دلخواه خود و عملیات روانی روی مخاطب هدف، تعمداً اطلاعات غلط و تحلیل‌های جهت‌دار گنجانده است.

مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران یا دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

اعتبار دکترین سیاست خارجی اوباما به ایران نیاز دارد

THE WALL STREET JOURNAL

مکس بوت، عضو ارشد شورای روابط خارجی آمریکا و نویسنده کتاب «ارتش‌های نامرئی»: ۱- «باراک اوباما» نیروهای آمریکایی را سال ۲۰۱۱ از عراق خارج کرد و آماده می‌شود تا سال ۲۰۱۶ نیروهای آمریکایی را از افغانستان نیز خارج کند حتی به رغم اینکه امسال در مقایسه با آنچه در ابتدا برنامه‌ریزی شده بود، تعداد بیشتری سرباز را در این کشور نگه داشت.

۲- دولت اوباما عمدتا در برابر اقدامات ایران در به دست گرفتن قدرت در عراق، سوریه و یمن، سکوت کرده و همزمان سرگرم مذاکره برای معامله هسته‌ای با تهران است که به آن اجازه می‌دهد هزاران سانتریفیوژ را حفظ کند.

۳- اوباما به «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل به علت آنچه اظهارات «نژادپرستانه» او در مبارزات انتخاباتی خوانده می‌شود، پرخاش می‌کند و از پذیرش عذرخواهی او در این باره خودداری می‌کند و می‌گوید آمریکا ممکن است در «گزینه‌های خود بازنگری کند» که به معنای صرف نظر کردن از وتوی قطعنامه سازمان ملل در به رسمیت شناخته شدن کشور فلسطین است.

اگر این واقعیت‌ها را کنار هم قرار دهیم، روشن می‌شود اوباما در تلاش است اساسی‌ترین بازگیری در سیاست خارجی کشورش را که یک نسل ادامه داشته است، تغییر دهد. رئیس‌جمهور آمریکا سرگرم خارج شدن از نقش نظامی پیشرو است که آمریکا از سال ۱۹۷۹ در خاورمیانه ایفا کرده است. سال ۷۹ شروع بحران گروگانگیری ایران و حمله شوروی به افغانستان است. او سعی دارد ایران را از دشمن به دوست تبدیل کند. او سرگرم کاستن از ائتلاف با اسرائیل در حدی است که از دهه ۱۹۶۰ تاکنون بی‌سابقه است.

اگر این را «دکترین اوباما» بخوانیم، می‌توان گفت آمریکا بار را از دوش خود برمی‌دارد و ایران آن را بر عهده می‌گیرد. شاید نکته‌ای که در این بین کمتر به آن توجه شده باشد، این است که اوباما سرگرم عقب‌نشینی از خاورمیانه است. او مکررا گفته است با تغییر دادن استقرار نیروها به سمت حوزه اقیانوس آرام، سرگرم تغییر دادن مسیر تعهدات آمریکاست. آمریکا هنوز تعداد قابل ملاحظه‌ای نیرو در خلیج فارس دارد اما تعداد سربازان در عراق از ۱۴۲ هزار نفر در زمانی که اوباما بر کرسی ریاست جمهوری نشست به کمتر از ۳ هزار نفر کاهش یافته است. تعداد سربازان در افغانستان در سال ۲۰۱۰ سه برابر شد و به ۱۰۰ هزار نیرو رسید اما از آن زمان به ۱۰ هزار نیرو کاهش یافته و قرار است تا زمانی که اوباما کاخ سفید را ترک می‌کند، به صفر برسد. این اقدام خطرآفرین و تهدیدکننده ثبات منطقه خواهد بود اما به اوباما امکان می‌دهد مدعی «پایان» دادن به جنگ شود. اما در واقعیت بیرون کشیدن سربازان آمریکایی از منطقه فقط به مناقشات بیشتر دامن خواهد زد.

براساس وعده اوباما برای کاستن از جنگ، او در صورت لزوم فقط به استفاده از نیروی هوایی متعهد است. آمریکا به عملیات هوایی ناتو برای کنار زدن «معمر قذافی» رهبر سابق لیبی پیوست اما پس از آن از اعزام صلحبان به این کشور که می‌توانست از بروز آشوب در لیبی جلوگیری کند، خودداری کرد. اوباما اکنون سرگرم حملات هوایی علیه داعش است اما از اعزام نیروی زمینی - اگرچه برای تضمین موفقیت حملات هوایی ضروری است - خودداری می‌کند.

این رویکرد ما را به بخش دوم نظریه اوباما رهنمون می‌شود. آمریکا ایران را دشمن تلقی کرده است، زیرا در این کشور به سفارتخانه ما حمله شد و دیپلمات‌های ما گروگان گرفته شدند. ایرانی‌ها حملات تروریستی متعددی را علیه اهداف آمریکایی در لبنان در دهه ۱۹۸۰ و ۲۰۰۰، هدایت کردند. در واکنش، رؤسای جمهوری آمریکا از اسرائیل و متحدان سنی و مشخصا عربستان سعودی حمایت کردند. اوباما این اجماع در سیاست خارجی را نقض کرده است. او در مذاکرات فعلی، شروط سخاوتمندانه غیرعادی را به ایران پیشنهاد می‌کند و از برداشته شدن تحریم‌ها سخن می‌گوید: مشروط به اینکه ایران فقط برای یک دهه از دامنه برنامه هسته‌ای‌اش بکاهد. اوباما همچنین تلاش چندانی برای ابراز نارضایتی از حضور فزاینده ایران در خاورمیانه که نمونه بارز آن حضور ژنرال قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران است، نمی‌کند. ژنرال سلیمانی فردی است که مسؤولیت او صدور انقلاب است. تهران از شبه‌نظامیان نایب نظیر حزب‌الله حمایت می‌کند که برای حمایت از بشار اسد از پایگاه خود در لبنان به سوریه رفته است. ایران از سازمان بدر حمایت می‌کند که عملیات علیه داعش در تکریت را هدایت می‌کند و از شبه‌نظامیان حوثی در یمن حمایت می‌کند که کنترل صنعا را به دست گرفته‌اند و به دروازه‌های عدن که یک بندر مهم راهبردی در نزدیکی دریای سرخ است، رسیده‌اند.

کل پاسخ آمریکا به این تحولات این است که اقدامات ایران مادامی که «فرقه‌ای» نباشد، «مفید» است. جنبه نگران‌کننده این تغییر به سمت ایران، دور شدن از متحدان دیرین و از همه بارزتر اسرائیل است که برنامه هسته‌ای ایران را خطری حیاتی می‌بیند. اوباما امروز خشمی فراتر از آنچه به «ولادیمیر پوتین» یا «آیت‌الله خامنه‌ای» ابراز می‌کند، به نتانیاهو نشان می‌دهد. در این میان گاه نتانیاهو نیز به این بازی اوباما کمک کرده است. برای مثال برنامه او برای سخنرانی در کنگره بی‌آنکه با کاخ سفید در این باره هماهنگ شده باشد و گفته‌های او درباره اینکه کشور فلسطین تا زمانی که او نخست‌وزیر است تشکیل نخواهد شد به این رویکرد دامن‌زده است. سوال این است: آیا اوباما در بازگیری دیپلماتیک جدید خود موفق خواهد شد؟ او هنوز تا خروج از کاخ سفید، ۲ سال فرصت دارد. جالب آنکه بزرگ‌ترین مانع در مسیر تکمیل میراث سیاست خارجی او، ایران است. اگر تهران پیشنهاد بیش از حد سخاوتمندانه او را از بیم معامله با شیطان بزرگ رد کند، احمقانه بودن انقلاب سیاست خارجی او بشدت عیان خواهد شد.

وال استریت ژورنال

آیا استاندارد دوگانه مطبوعات آمریکایی در قبال ایران نتیجه می‌دهد؟

ANTI WAR.COM

رابرت پری: اگر ۲ روزنامه مهم روسیه مقاله‌هایی منتشر کنند که در آنها آشکارا از بمباران یک کشور حمایت شود، رسانه‌های خبری و دولت‌های آمریکا و اسرائیل این اقدام را محکوم و آنها «تهاجم، جنایت، دیوانگی و رفتاری توصیف می‌کنند که براساس اصول قرن بیست و یکم نیست.» اما زمانی که این روزنامه‌ها آمریکایی باشند - نیویورک‌تایمز و واشنگتن‌پست - و کشور هدف ایران باشد، هیچ‌کس در دولت آمریکا و رسانه‌های این کشور هیچ اعتراضی به آنها نمی‌کنند. انتشار اینگونه مقاله‌ها در آمریکا نوعی آزادی بیان محسوب می‌شود.

روز پنجشنبه روزنامه نیویورک‌تایمز مقاله‌ای منتشر کرده بود که در آن خواستار بمباران ایران در صورت عدم دستیابی به توافقنامه دیپلماتیک شد.

روزنامه واشنگتن پست نیز مقاله‌ای مشابه با عنوان «ما باید ایران را بمباران کنیم» منتشر کرد.

نویسنده مقاله روزنامه نیویورک تایمز جان بولتون بود که یک نومحافظه‌کار از موسسه اینترپرایز آمریکاست. عنوان مقاله او این بود: «برای جلوگیری از مسلح شدن ایران به بمب باید ایران را بمباران کرد».

پس از آن جاشوآ موراوچیک، تحلیلگر واشنگتن پست که در حال حاضر از کارشناسان مرکز مطالعات بین‌المللی در دانشگاه جان هاپکینز است مقاله‌ای در این ارتباط منتشر کرد. در هر دو مقاله از آمریکا خواسته شده بود برای نابود کردن تأسیسات هسته‌ای ایران و تقویت ایده «تغییر رژیم» در تهران رویکرد بمباران ایران را در پیش بگیرد. این دو کارشناس براساس این تئوری این ایده را مطرح کردند که ایران یک کشور متخاصم است. این در حالی است که ایران قرن‌هاست به هیچ کشوری حمله نکرده است. جان بولتون - که در زمان ریاست‌جمهوری جورج دبلیو بوش، سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد بود- بر این اساس ایده جنگ با ایران را مطرح کرد که اگر ایران اقدام به ساخت یک سلاح هسته‌ای کند باید تهران را هدف حمله قرار داد اما ایران تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای را رد می‌کند و جامعه اطلاعاتی آمریکا نیز تایید می‌کند ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست.

بولتون در مقاله خود اذعان کرد اسرائیل زرادخانه تسلیحات اعلام نشده‌ای در اختیار دارد که تحت بازرسی‌های بین‌المللی قرار ندارد اما او خواستار بمباران اسرائیل نشد او در این مقاله نوشت: «تسلیحات هسته‌ای اسرائیل سبب به راه افتادن رقابت تسلیحاتی در خاورمیانه نمی‌شود. دیگر کشورها در منطقه درک می‌کنند که تسلیحات هسته‌ای اسرائیل با هدف بازدارندگی است نه تهاجم به کشورهای دیگر».

او همچنین به این موضوع نپرداخت که اسرائیل حدود ۲۰۰ بمب هسته‌ای در اختیار دارد. او همچنین به این موضوع نپرداخت که ایران ممکن است با هدف بازدارندگی یکی، دو بمب هسته‌ای بسازد. او تصریح کرد: «ایران داستان جداگانه‌ای برای خود دارد. پیشرفت‌های گسترده در زمینه غنی‌سازی اورانیوم و پردازش پلوتونیوم نشان‌دهنده جاه‌طلبی‌های این کشور است».

اما آیا این موضوع صحت دارد؟ سطح غنی‌سازی در ایران به اندازه سطح مورد نیاز برای ساخت یک سلاح هسته‌ای نیست بلکه براساس توافقنامه موقت هسته‌ای، ایران سطح غنی‌سازی خود را به زیر ۵ درصد کاهش داده است که برای تولید برق مورد نیاز است. این در حالی است که قبلا ایران تا سطح ۲۰ درصد غنی‌سازی می‌کرد که سطح مورد نیاز برای انجام تحقیقات پزشکی است. این در حالی است که سطح مورد نیاز برای ساخت یک سلاح هسته‌ای غنی‌سازی ۹۰ درصد است.

به عبارت دیگر ایرانی‌ها به جای به چالش کشیدن «خط قرمز» در زمینه غنی‌سازی اورانیوم - که نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در سال ۲۰۱۲ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد از آن سخن گفت - در مسیر جداگانه قدم گذاشتند و موافقت کردند در صورت دستیابی به توافقی دائمی این محدودیت‌ها را حفظ کنند.

با این حال نومحافظه‌کاران آمریکایی به جای حمایت از چنین توافقنامه‌ای خواستار جنگ با ایران و سرنگونی دولت ایران کشور حتی از طریق تأمین مالی مخالفان داخلی بر پایه کودتا یا «انقلاب رنگی» شده‌اند.

بولتون در مقاله خود نوشت: «در این حمله نیازی نیست همه زیرساخت‌های هسته‌ای ایران ویران شود بلکه باید ارتباطات کلیدی در چرخه تولید سوخت هسته‌ای از بین برود و برنامه هسته‌ای ایران را برای ۳ تا ۵ سال متوقف کند. آمریکا می‌تواند این کار را از طریق نابودی این تأسیسات انجام دهد اما اسرائیل به‌تنهایی می‌تواند اقدامات لازم و ضروری را انجام دهد. چنین اقدامی باید با حمایت آمریکا از مخالفان ایرانی با هدف تغییر رژیم در تهران همراه شود». اما باید به خاطر آوریم که نومحافظه‌کاران از دهه ۱۹۹۰ فهرستی از کشورها را تهیه کرده‌اند که رژیم‌های آنها باید تغییر یابد. این کشورها شامل عراق، سوریه و ایران می‌شوند. در سال ۲۰۰۳ نومحافظه‌کاران فرصت حمله به عراق را به دست آوردند اما نتوانستند پیروزی خود را در این کشور حفظ کنند.

نومحافظه‌کاران هرگز در فهرست خود تجدیدنظر نکرده‌اند بلکه فهرست این کشورها را در سراسر خاورمیانه و تا شمال آفریقا و اکنون تا اوکراین افزایش داده‌اند. در حقیقت نومحافظه‌کاران به اسرائیل و عربستان‌سعودی در درگیری فرقه‌ای بین سنی‌ها و شیعیان پیوسته‌اند. مقامات اسرائیلی همانند سعودی‌ها مخالف «هلال شیعی» هستند که از تهران آغاز می‌شود و تا بغداد و دمشق و تا بیروت ادامه دارد. از آنجا که ایران قدرتمندترین کشور شیعه محسوب می‌شود و با سوریه همپیمان است، هر دو کشور در کانون اهداف نومحافظه‌کاران قرار گرفته‌اند. نقش اصلی آنها تلاش برای متقاعد کردن افکار عمومی آمریکا برای اختصاص مالیات و فرستادن فرزندانشان به منظور حضور در این جنگ‌هاست.

نومحافظه‌کاران چنان به مهارت‌های خود مطمئن هستند که توانسته‌اند برخی مقامات آمریکایی را متقاعد کنند پیشنهاد حمایت واشنگتن از جبهه النصره و حتی شورشیان داعش را مطرح کنند، زیرا این دو گروه اقدام به کشتن شیعیان می‌کنند از این رو موثرترین جنگجویان علیه همپیمانان ایران محسوب می‌شوند.

توماس ال فریدمن، خبرنگار نیویورک‌تایمز حتی پا را فراتر گذاشت و ایده مسلح کردن شورشیان داعش را مطرح کرد. او در مقاله‌ای نوشت: «من در حال حاضر بیش از هر کسی از شورشیان داعش متنفرم اما اجازه دهید سوالی متفاوت را مطرح کنم: آیا زمان آن فرارسیده است که شورشیان داعش را مسلح کنیم؟»

بنابراین شاهد آن هستیم که رسانه‌های آمریکایی اقدام به انتشار مطالب مورد نظر خود می‌کنند. زمانی که موضوع حمایت از عملیات بمباران علیه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران مطرح می‌شود ۲ روزنامه مهم آمریکایی از چاپ چنین مقاله‌هایی ابراز خرسندی می‌کنند. رسانه‌های غربی همانند همیشه در حال به راه انداختن جنگ تبلیغاتی هستند همانگونه که شاهد بودیم حمله به عراق به بهانه نابودی تسلیحات کشتار جمعی این کشور انجام شد. چگونه می‌شود ایده‌ای که درباره عراق اشتباه بود و به ویرانی عراق منجر شد، درباره ایران درست باشد؟

پایگاه اینترنتی آنتی‌وار

ایران اولویت اول آمریکا و غرب است

The New York Times

راجر کوهن: در میان بحران‌های خاورمیانه، دستیابی به توافق هسته‌ای با ایران و شکست دادن غارتگران وحشی دولت اسلامی باید اولویت‌های آمریکا و غرب را تشکیل دهد. دستیابی به این اهداف با منافع غرب رابطه نزدیک دارد. امضای توافقی که به مدت یک دهه فعالیت‌های هسته‌ای ایران را محدود می‌کند و تحت نظارت شدید قرار می‌دهد یک نتیجه ایده‌آل نیست اما درحال حاضر بهترین نتیجه قابل تصور برای مذاکراتی است که از سرعت پیشرفت‌های هسته‌ای ایران کاسته و بین واشنگتن و تهران ارتباط برقرار کرده است. چنین توافقی باید شرایطی را ایجاد کند که ایران برای رسیدن به زمان فرار هسته‌ای و ساخت یک بمب، دست‌کم به یک سال زمان نیاز داشته باشد. گزینه‌های دیگر بسیار ناخوشایند هستند. سانتریفیوژها و سطح غنی‌سازی افزایش خواهد یافت و با وجود این حقیقت که درخواست‌های حمله به ایران دعوت غیرمسؤولانه‌ای به سمت فاجعه خواهد بود، طبل‌های جنگ به صدا درخواهد آمد. حمله آمریکا یا اسرائیل یا هر دو به ایران پیامدهای شومی خواهد داشت اما دلیل اصلی برای مخالفت با چنین حماقتی این است که اقدام نظامی برای مدت بسیار اندکی فعالیت‌های هسته‌ای ایران را متوقف خواهد کرد از این رو چنین جنگی را جنگ بدون هدف یا جنگ به علل نادرست توصیف می‌کنند. ایران یک جامعه جوان و امیدوار است. از این امید حمایت کنید و آن را محبوس نکنید. یک توافق ۱۰ ساله ایران و آمریکا را به داشتن رابطه با یکدیگر در این مدت محکوم می‌کند. از واژه محکوم استفاده کردم، زیرا این رابطه نه تنها مطلوب نخواهد بود بلکه ناخوشایند هم خواهد بود. اختلاف‌های زیادی وجود خواهد داشت اما چانه‌زنی بهتر از جنگ است. احتمالا در یک دهه آینده تغییراتی در رهبری جمهوری اسلامی روی خواهد داد. جامعه ایران به سمت غرب گرایش دارد. اگر آشنایی اندکی با ایران داشته باشیم متوجه خواهیم شد تحریم نمی‌تواند این ملت پرافتخار را به زانو درآورد. آنچه امنیت اسرائیل را تامین می‌کند یک دهه اعمال محدودیت شدید برای برنامه هسته‌ای ایران و بازرسی دقیق فعالیت‌های این کشور است.

نیویورک تایمز

ماجرای آکیپ در یمن

THE HUFFINGTON POST

مارک گینسبرگ، سفیر سابق آمریکا در مراکش و دستیار سابق امور خاورمیانه در کاخ سفید: ایران بشدت از شیعیان حوثی برای تصرف کامل یمن حمایت می‌کند؛ گروهی که حکومت یمن و دولت طرفدار آمریکا را سرنگون کرد و به طور کامل همه اقدامات آمریکا را در راستای مبارزه با تروریسم توسط نیروهای ویژه آمریکایی برای مقابله با القاعده در شبه‌جزیره عربی موسوم به «آکیپ» با شکست مواجه کرد.

برای اینکه هیچ اشتباهی به وجود نیاید باید گفت، گروه آکیپ که اعضای آن بیش از طالبان و حتی بیش از نیروهای داعش است، بزرگ‌ترین تهدید تروریستی برای آمریکا محسوب می‌شود. این گروه سپتامبر ۲۰۱۱ که یک پهپاد آمریکایی در یک حمله هوایی به یمن، «انور الاولاکی»، مغز متفکر آکیپ را کشت، در آنجا بود. اولاکی در آن زمان و هنوز هم از قبر خودش، منبع الهام‌بخشی برای آکیپ و توطئه‌هایش علیه آمریکاست.

اندیشه‌های تندروانه اولاکی، منبع الهام برای برادران «سارنیف» در بمبگذاری بوستون، تروریست‌های شارلی ابدو و اقدام تروریستی «نضال حسن» در پایگاه فورت‌هود بود. همچنین ویدئوهای شیطانی اولاکی مشوق گرگ تنها و حمله به اهداف اروپا و آمریکاست. اعضای آکیپ همچنین خطرناک‌ترین تهدیدات تکنولوژی را برای امنیت پرواز آمریکا به وجود آورده‌اند. از جمله این تهدیدات می‌توان به بمب‌های معروف جاسازی شده در کفش، بمب‌های تعبیه‌شده در لباس زیر و بمب‌های جاسازی‌شده در کارتریج پرینتر اشاره کرد که همچنان مواردی از آن در پروازها دیده می‌شود. مقامات ضدتروریسم هشدار می‌دهند طراحان سازنده بمب هنوز در یمن پرسه می‌زنند.

در حال حاضر، به لطف حمایت گسترده ایران از حوثی‌ها، همه اقدامات ضدتروریسم آمریکا علیه آکیپ دست‌کم در این لحظه حیاتی با مشکل مواجه شده است.

ایران، اصرار بر جدا شدن مذاکرات از دیگر موضوعات و انجام آن به صورت غیرعلنی دارد و کاخ سفید نیز به سرعت در این زمینه نرمش نشان داده و موضوعات دیگر از قبیل تهدیدات استراتژیک ایران بر اسرائیل (تهدید حزب‌الله و حماس) و تهدیدات ایران بر کشورهای سنی (مداخلات در عراق و حمایت از بشار اسد در سوریه) را از مذاکرات هسته‌ای جدا کرده است. به این ترتیب در حالی که ضیافت سوییسی برای ایران مهیا می‌شود، یمن وارد یک جنگ نیابتی سنی و شیعه می‌شود که هزینه آن را اوباما و سعودی تامین می‌کنند و آنها مواضع حوثی‌های مورد حمایت ایران را بمباران می‌کنند. این اتفاقات در حالی می‌افتد که ما با ایران در سوییس در حال بریدن نان بودیم در حالی که در یک طرف دیگر بشقاب، یمن وجود داشت. واقعا این مساله بسیار پیچیده‌ای است.

رشد جنگ منطقه‌ای در یمن، یک تهدید مستقیم برای منافع آمریکا محسوب می‌شود و لاپوشانی‌های مقامات آمریکایی نمی‌تواند این حقیقت را مخفی کند که تجزیه یمن، یک رسوایی برای سیاست خارجی آمریکا محسوب می‌شود.

در حال حاضر حوثی‌ها تلاش می‌کنند کنترل تنگه‌های آبی استراتژیک از جمله باب‌المندب را به دست بگیرند که یک آبراهه مهم بین دریای مدیترانه و کانال سوئز و نیز محل دسترسی اسرائیل به اقیانوس هند از طریق شهر بندری الیات محسوب می‌شود. علاوه بر تهدید دریایی، نقش‌آفرینی ایران در یمن می‌تواند خطراتی معادل با آکیپ در این کشور داشته باشد. این به هیچ عنوان مبالغه‌آمیز نیست. اکنون این سوال مطرح است: چرا دولت اوباما اینگونه وانمود می‌کند که مداخله ایران در عمل یک امر تایید نشده است که نباید وارد مذاکرات هسته‌ای با ایران شود. من جواب این سوال را می‌دانم، چون برای اوباما دستیابی به توافق هسته‌ای با ایران از همه چیز مهم‌تر است، یحتی مهم‌تر از کاهش نگرانی‌های متحدان عرب ما در منطقه درباره ایران و مهم‌تر از تهدیدات تروریستی ایران علیه اسرائیل و حتی مهم‌تر از، از دست دادن پایگاه‌های عملیاتی آمریکا علیه آکیپ در یمن. دیپلمات‌ها ممکن است درباره اولویت‌های خودشان استدلال کنند اما وقتی بحث درباره حفاظت از کشورمان علیه القاعده باشد، من به این استدلال‌ها کاری ندارم و تنها به منافع کشورم فکر می‌کنم.

هافینگتون‌پست

مسأله اصلی
راستی‌آزمایی توافق است

THE TIMES OF ISRAEL

میچ گینسبرگ: دهها عامل متغیر در مذاکرات هسته‌ای و توافق هسته‌ای مورد نظر با ایران نقش‌آفرین هستند. این عوامل شامل موضوعات مختلف از تعداد سانتریفیوژها گرفته تا سرنوشت تاسیسات هسته‌ای زیرزمینی در فردو تا ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای ایران می‌شود اما در آینده و بعد از دستیابی به توافق، مسائلی مانند نظارت و تایید فعالیت‌های هسته‌ای ایران- همانگونه که یکی از مقامات دولت آمریکا هم گفته است- «مشکلی جهنمی» خواهد بود. اولین مشکل در بخش نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران شناسایی و تشخیص موارد نقض توافقنامه خواهد بود.

«سوزان رایس» مشاور امنیت ملی آمریکا چندی پیش در نشست «آیپک» گفت: «ما به هیچ چیزی اعتماد نداریم. در مقابل ما خواهان دسترسی بی‌سابقه به مراکز هسته‌ای ایران از جمله بازرسی‌های روزانه از مراکز نطنز و فردو هستیم». وی ادامه داد: «هر توافقی بر مبنای رویکرد «بی‌اعتمادی و تایید» خواهد بود. تاکنون بازرسی‌های بازرسان از مراکز هسته‌ای ایران، به‌صراحت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را راضی نکرده است. آژانس ماه فوریه اعلام کرد درباره احتمال وجود بخش‌های نظامی در برنامه هسته‌ای ایران نگران است.

«یوکیو آمانو» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم در مصاحبه با «واشنگتن پست» گفت: «ما خواهان دسترسی به مرکز نظامی پارچین هستیم که گفته می‌شود ایران در آن آزمایش‌های تسلیحاتی انجام داده است». وی افزود: «ما خواهان بررسی این موضوع هستیم».

«امیلی لاندائو» رئیس مرکز کنترل تسلیحات و برنامه امنیت منطقه‌ای گفت: «آژانس برای آنکه بتواند به سطح قابل قبولی از شفاف‌سازی درباره برنامه هسته‌ای ایران دست یابد، باید قادر باشد هر زمان و هر جایی دست به بازرسی بزند». این نه‌تنها به معنای بازرسی بدون محدودیت از تاسیسات نطنز و فردو و حتی پارچین است بلکه شامل بازرسی از هر مرکز نظامی و مقرهای سپاه پاسداران هم هست.

«اولی هاینونن» معاون سابق مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سخنرانی خود در «موسسه واشنگتن برای خاورنزدیک» گفت: «بدون انجام این بازرسی‌ها ایران می‌تواند با ایجاد یک مرکز اعلام‌نشده هسته‌ای و ایجاد روند غنی‌سازی در هر جایی، به سمت تولید بمب اتم حرکت کند». وی افزود: «برنامه سانتریفیوژهای روسیه چندین سال با وجود نظارت‌های اطلاعاتی بدون شناسایی ادامه یافت. همچنین در کشورهای دیگر مانند عراق، لیبی، کره‌شمالی، آفریقای جنوبی و سوریه هم برنامه‌های هسته‌ای آنها چندین سال بدون شناسایی ادامه داشت».

امیلی لاندائو گفت: «موضوع شناسایی موارد نقض مواد توافقنامه دشوارترین بخش است. ابتدا باید مدارک نقض مواد توافقنامه ارائه شود بعد باید درستی این مدارک تایید شود و در نهایت باید نیروهایی برای جلوگیری از تداوم نقض توافقنامه وارد عمل شوند». وی ادامه داد: «امکان انجام این فعالیت‌ها در یک دوره ۱۲ ماهه بسیار کم است».

اسرائیل که در مذاکرات هسته‌ای با ایران حضور ندارد و اوباما آن را از دانستن محتوای مذاکرات کنار گذاشته است، نگران ناکافی بودن رژیم بازرسی‌ها از فعالیت‌های هسته‌ای ایران و بی‌میلی جامعه جهانی برای مقابله با موارد نقض توافقنامه توسط ایران است. موضوع دوم این است که اسرائیل باید از درگیری‌های لفظی با دولت اوباما دوری کند و رابطه سازنده‌ای با آن ایجاد کند.

تایمز آو اسرائیل

من خانواده‌ام را دوست دارم
خانواده
خانواده‌ی خوب یعنی زن و شوهری که با هم مهربان باشند، با وفا و صمیمی باشند و به یکدیگر محبت، عشق بورزند، رعایت همدیگر را بکنند، مصالح همدیگر را گرامی و مهم بدارند.
خانواده
مسابقه بزرگ کتابخوانی
از ۲۲ بهمن ۹۳ تا ۳۱ اردیبهشت ۹۴
روشهای تهیه کتاب:
مراجعه به کتابفروشی ها و فروشگاه های محصولات فرهنگی سراسر کشور (فهرست کامل در سایت مسابقه موجود است) | ارسال عدد ۲ به سامانه پیامکی ۱۰۰۰۲۶۶۱ | خرید اینترنتی از طریق سایت مسابقه
جوایز: سفر به عتبات عالیات، سفر به مشهد مقدس، سکه بهار آزادی
و بیش از یک میلیارد ریال جایزه نقدی و غیر نقدی
جایزه استثنایی: لذت خواندن کتاب در جمع خانواده
ketabzendegi.ir

رسپینا
ارتباط ایده‌ها
پهنای باند اینترنت اختصاصی
برای موسسات و سازمان‌های دولتی و خصوصی
پشتیبانی ۲۴ ساعته در تمام هفته
تجربه‌ای متفاوت با رسپینا
این سرویس فقط در محدوده های استان تهران البرز و استان فارس ارایه می شود.
بخش فروش: ۸۴ ۲۳۰ ۲۳۰
www.respina.net

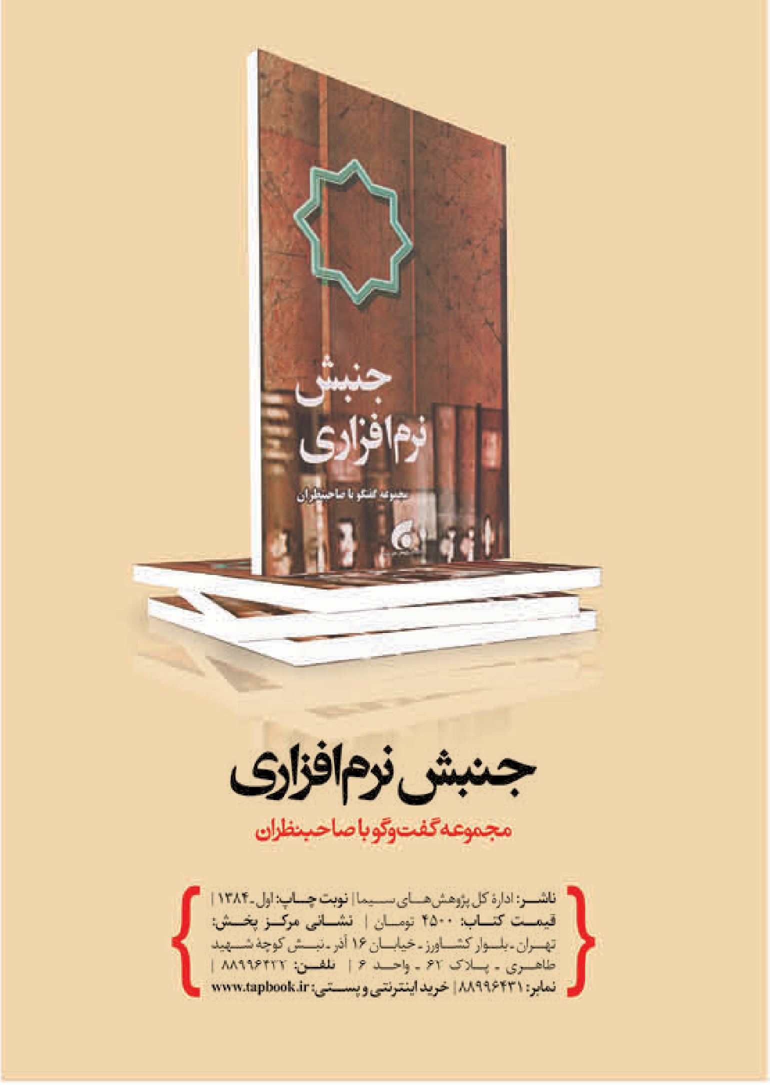
جنبش نرم‌افزاری
مجموعه گفت‌وگو با صاحبنظران
ناشر: ادارهٔ کل پژوهش‌های سیما | نوبت چاپ: اول ـ ۱۳۸۴ | قیمت کتاب: ۴۵۰۰ تومان | نشانی مرکز پخش: تهران ـ بلوار کشاورز ـ خیابان ۱۶ آذر ـ نبش کوچهٔ شهید طاهری ـ پلاک ۶۲ ـ واحد ۶ | تلفن: ۸۸۹۹۶۴۲۲ | نمابر: ۸۸۹۹۶۴۳۱ | خرید اینترنتی و پستی: www.tapbook.ir

دولت و ملت، همدلی و هم زبانی
اداره کل حمل و نقل و پایانه‌های استان تهران

آگهی مزایده عمومی یک مرحله‌ای

موضوع: واگذاری بهره‌برداری از یک باب غرفه حمل و نقلی واقع در پایانه بار تهران (نسیم شهر کیلومتر ۲۲ جاده ساوه) به صورت اجاره بدون اخذ سرقفلی
زمان دریافت اسناد: ۵ روز اداری پس از انتشار آخرین آگهی
نحوه دریافت اسناد: مراجعه حضوری (به آدرس تهران خیابان شهید سپهبد قرنی- خیابان شهید کلانتری غربی- پلاک ۸۰ (روبروی سفارت لبنان) طبقه اول اتاق ۱۱۶) و یا دریافت اینترنتی (از آدرس http://iets.mporg.ir)
مهلت ارائه اسناد: به مدت ۱۰ روز از زمان انقضای دریافت اسناد
زمان بازگشایی پاکتها: پیشنهادات واصله در زمان مشخص شده در اسناد بازگشایی خواهند شد.
مبلغ واریزی جهت شرکت در مزایده: مبلغ تضمین شرکت در مزایده (۲۳۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال) می‌باشد.
محل تحویل اسناد: دبیرخانه کمیسیون ارزیابی معاملات به نشانی بالا
- جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت http://ites.mporg.ir مراجعه شود.
- توضیح: در صورت مراجعه حضوری نماینده برای دریافت اسناد، ارائه معرفینامه رسمی شرکت الزامی می‌باشد.

روابط عمومی اداره کل حمل و نقل و پایانه‌های استان تهران
م الف ۱۲۹

www.Hemmat110.com
همت
#۵*۶*۰۲۷*
۳۰۰۰۱۰۱۰۴۰
اولین خیریه سایبری مسأله محور در ایران